

## سفرنامه حجاز يك تاجر ایرانی

از راه روسیه و عثمانی

۲

قوچان، شهریست معظم، بیلان (۲) های و سیمع انداخته‌اند. هر بیلانی از ابتدا تا انتها نیم فرسخ طول دارد. تمام این طرف [و] آن طرف اشجار غرس نموده‌اند. لکن آبادی چندانی ندارد. به اندازه نقشه شهر که برداشته‌اند صد هزار جمعیت لازم دارد علاوه بر اهل خودش، تا آباد شود. خیابان عشق آباد، آباد است. طرف مشهد و سبزوار تا نصفه خیابان دکان و آبادی است مابقی ویران افتاده است. لکن از شدت اشجار. فرسخ در فرسخ مثل يك پارچه زمرد اهالی اسمش را گذاشته‌اند «شهر سبز». با وجود اقتدار حکومت «عبد الرزاق خان» و کردخانه [؟ کرد خانی]، ادارات و مدارس منظمی داشت که رفتیم و بازدید نمودیم. بهر جهت پس از حرکت از قوچان، منزل اول «تازه کند» است. پنچ فرسخ مسافت است. مال عوض نموده آمدیم.

«امامقلی‌ها» توقف ننموده رد شدیم «داش آراسی»، [که] در میان کوه واقع است و پای کوتل (۳) است در قهوه‌خانه پائین آمده پلو از قوچان همراه بود شام صرف شده خوابیدیم. صبح حرکت نموده پیاده بطرف کوتل [به] تخمین دو فرسخ پیاده رفتیم بواسطه خرابی راه واهمه کردیم سوار شویم. راه که قدری بهتر شد سوار شده دو ساعت به ظهر مانده رسیدیم [به] باجگیرها (باجگیران).

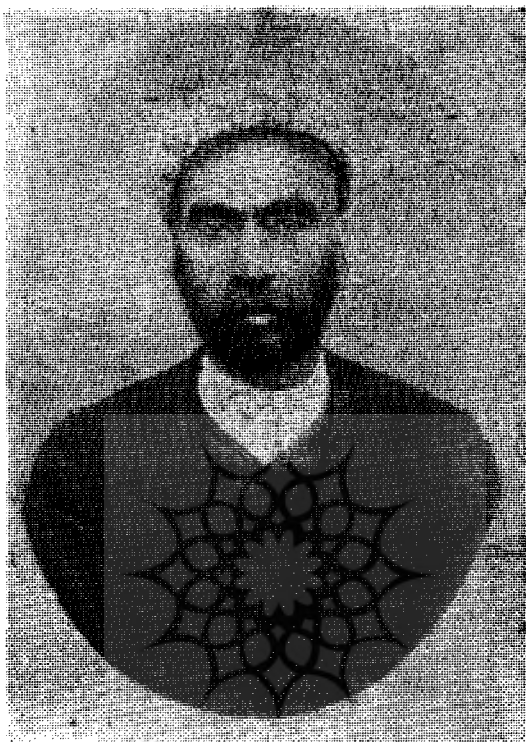
باجگیر ایران، قریه است در کمال آبادی، پانصد (۵۰۰) خانوار جمعیت دارد. بازار سرباز، از همه قسم کسبه دارد. قهوه‌خانه‌های مفصل، ادارات از تلگرافخانه، پستخانه، نظمی، بلدی (بلدی) و غیره دارد. گمرک خانه مفصلی دارد. تمام بازار [و] کوچه‌ها [را] چراغ زده‌اند. پلیس - های منظم. از هر جهت بد نیست. در مدت پانزده سال قبل [اینجا را] دیده

(۱) حاج علی اکبر میلانی

(۲) بلوار منظور است

(۳) کتل (بر وزن دول) برآمدگی زمین، تپه.

بودم جای خرابی بود، آبای وسکنه نداشت ولی حال از هر جهت آباد است .  
 پس از یکی دو ساعت که در قهوه خانه راحت نمودیم به نایب گاری خانه اظهار  
 شد که مال بسته ما را حرکت بدهند . با کمال بی اعتنائی فرمودند :  
 « ۲۴ ساعت باید در اینجا بمانید »



### حاج محمد علی حسین زاده نویسنده سفر نامه

ما هم اطاعت امر نموده دیگر حرفی نگفته شب را با کمال خفت در  
 قهوه خانه بسر بردیم . فرا دو ساعت از روز گذشته مال بسته سوار شدیم .  
 يك نفر [از] اجزای گمرک که عیالش مریضه بود با ما سوار شد که به «دکتر  
 خانه» سر حد روس برود جهت معالجه . بین راه قدری صحبت نمودیم تا رسیدیم  
 به محلی که آن شخص اظهار نمود که این سنگ که در پهل کوه نصب است  
 نشانه خاک روس و ایران است از این خبر خیلی پریشان شده افسوس خوردیم .  
 با هزار حسرت و اندوه وطن عزیز را وداع گفته وارد خاک روسیه شدیم نه  
 خاک روسیه ، بل که خاکی که از ایران به جبر و تعدی تصرف کرده [اند] .  
 قدری راه که آمدیم در اول خاکش «دکترخانه»ی مفصلی ساخته يك نفر دکتر

روسی باچند نفر اجزاء نشسته بودند . به رسیدن ما آمده « باش بلیط » (۱)  
ما را گرفته افضا نمودند . خودمان را هم بازدید نموده نوشته‌ی « صحیه » به ما  
داده‌رد شدیم . [به] تخمین نیم فرسخ از دکنر خانه که رد می‌شود می‌رسد به  
باچگیر روس .

باچگیر ، آبادی چندانی ندارد . جمعیت بقدر بیست خانوار دارد  
بعضی روس هستند بعضی ایرانی وقفقازی که قهوه‌خانه و دکان دارند جهت  
مسافر . به رسیدن ، اسباب «های» ما را باز نموده تفتیش نمودند «باش بلیط»  
را « قل » (۲) کشیده رد شده آمدیم . آمدیم يك فرسخ به « قورت شو » گاری  
شکست به قسمی که پرهای « تکر » (۳) تمام ریخت . مانندیم معطل . علاجی  
ندیده . آقا میرزا عبدالله به اسب گاری سوار شده رفت خبر نماید گاری بیاورند.  
بندۀ قدری مانده دیدم خبری نشد . پیاده را افتاده در آن هوای گرم که  
مغزس آدم را خبر می‌نماید . مشهدی محمد حسین را گذاشتیم سر اسباب (ها) ،  
آدمم . به چه حالت فلاکت ؟ از تشنگی زبان از دهان بیرون آمده . دیدم نه  
اسب است و نه گاری . بعد از جنجال زیاد ، يك نفر حرکت نموده چوب و  
ریمان زیادی برداشته رفت بعد از دوساعت گاری راه وارد کردند ، گفتند:  
- « باید شب را در اینجا بمانید ما برویم از عشق آباد گاری بیاوریم .  
« قورتی شو » جایی است آباد . از ایرانی‌ها ندارد . سواى گاری‌خانه  
که دوکمند اسب و دونفر مهتر روس [؟] زیاد دارد . آبی که بشود خورد ،  
ندارد . گرم و متعفن [ است ] و پشه‌ی زیادی دارد که شخص نمیتواند يك  
ساعت تاب بیاورد . دیدیم فایده ندارد نه گاری است و نه اسب . رقتیم پستخانه  
روس يك «کروت» (۴) کرایه کرده هر آدمی يك منات و ۱۵ کپک . سوار  
شدیم سه فرسخ راه است تا عشق آباد . يك ساعت و نیم راه را طی نموده دوساعت  
به غروب یوم ۷ رمضان وارد عشق آباد شدیم .

عشق آباد ، بالنسبه به سابق که دیده بودم خیلی آباد شده تمام خیابان-  
ها را مستوه [ ؟ مسطوح ] نموده تا « و غزال » (۴) راه آهن ، خرابه و بایر  
بود . حال تمام ، منزل و کاروانسرا و مغازه ساخته‌اند . خیلی ترقی نموده .

(۱) باش بلیط : تذکره

(۲) قل کشیدن : به فتح اول تصویب و امضا کردن تذکره ،

(۳) تکر : بر وزن اثر چوبی که

باری در سرای « حاج محمد تقی میلانی » يك اطاق گرفته با دو « قروات »  
 (۱) شبی يك منات کرایه گرفتند . پنج شب توقف نمود . دو سه شب تئاتر  
 رفته ، بلیط سی (۳۰) کپک سیموتوگراف و بعضی نمایشهای دیگر دادند .  
 یوم نهم رمضان جنابان میلانی واسکوئی وارد شدند . در خصوص حرکت از  
 کدام طریق ، گفتگو شد . جناب حاج محمد جواد تاجر هم تشریف داشتند  
 رأی از طریق سمرقند وتاجکند به طرف « ویانه » رأی داده شد . دوازده روز  
 از عشق آباد الی ویانه راه است . تمام خط آهن . از ویانه به اسلامبول هم  
 با خط آهن ۲۴ ساعت ، دربارا به هیچ وجه نمی بیند . کرایه تا « ولادچسکی »  
 پرو : ۹۰ منات - افرای : ۴۷ منات و نیم - تریٹ : ۳۱ منات . از وولا-  
 دچسکی ، به « ویانه » افرای : ۲۱ منات . (۲)

قرار شد که از طریق « ویانه » حرکت نمائیم . « باش بلیط » ها را  
 برریم قنصر [قونسول] خانه که قل بکشند . بلیط های مارا قل کشیده هر آدمی  
 يك منات دادیم . نیم منات جهت قل کشیدن و نیم منات جهت اعانه مدرسه  
 ایرانیان . از قضا در باش بلیط جناب اسکوئی که در مشهد گرفته بودند اسم  
 عیال ننوشته بودند . قنصر (قونسول) اظهار کرد :

— در آخر جنگ روس ، اسباب زحمت جهت شما خواهد شد .

بعد از مذاکرات زیاد ، قرار شد که « باش بلیط » تازه ای بگیرند .  
 (قونسول) ، باش بلیط تازه نوشته داد . باید پاریس مستر [؟ پلیس مستر] عشق  
 آباد قل بکشد . در شهر نبود . رفته بود « فیروزه » . سه چهار روز طول داشت  
 تا به قل برسانند . باین واسطه نقشه ی طریق ویانه بهم خورد . قرار شد  
 که از طریق بادکوبه مسافرت نمائیم وما حرکت نموده در بادکوبه منتظر  
 حضرات باشیم . لهذا یوم چهارشنبه ۱۲ رمضان ساعت ده روس ، وغزال رفته  
 با ماشین پشتوای (۴) بلیط کرسناو اسکک گرفته حرکت کردیم . کرایه ماشین :  
 پروای : ۱۲ منات ، افرای : ۸ منات و ۷۰ کپک ، تریٹ : ۵ منات و ۸۰  
 کپک . بلیط افرای گرفته روانه شدیم . دو « استانسیه » ( ۴ ) که مسافرت  
 نمودیم . استانسیه به « کوك تپه » می رسد .

(۱) قروات . تختخواب

(۲) پروای ، افرای ، تریٹ . بترتیب درجه يك ودو سه قطار .

(۳) پشتوای : ؟

(۴) استانسیه یا استانسیا یعنی ایستگاه Station

گوك تپه ، از شهر های تر کمانان بوده . در آنجا مدتی روس دعوا نموده و تلفیات (۱) زیادی از روس شده . پس از فتح کوك تپه ، مجسمه تر کمنها و سالدات را از جودن [چدن] ریخته [اند] که با هم مشغول محاربه هستند . اطاق دیگری از اسلحه (های) انتیقه ( عتیقه ) قدیم امثال زره ، کلاه خود ، شمشیر ، سپر و غیره نصب نموده اند . باغی مفصل ، گل کاری ، مستحفظ در آنجا قرار داده اند .

ماشین بقدر یک ربع ساعت توقف نموده پائین آمده تماشا نمودیم . بعد (یا) حرکت نموده بین راه هر نیم ساعت راه نیم استانسیه دارد . که در آنجا توقف نمی نماید . يك ساعت که سیر می نماید استانسیه است که به ملاحظه آبادی محل و گرفتن بار از ده دقیقه الی یک ربع توقف می نماید . تمام استانسیه ها آباد ، رسترن ها از همه قسم ماکولات ، مطبوخات ، مشروبات ، فواکه موجود . شیر ، کره . هر چه شخص خیال نماید (۲) ، حاضر است . مخصوصاً هندوانه های خیلی خوب دارد . هر دانه که نیم پو پو وزن دارد - يك عباسی مناط می دهند .

به هر جهت ، سیر از عشق آباد الی کرسناو دسکه ، ۱۸ ساعت شد . یوم پنج شنبه سیزده رمضان يك ساعت از روز گذشته وارد کرسناو دسکه شدیم . کرسناو دسکه ، شهر است کوچک ، در دامنه کوه سیاهی که اصلاً گیاه نمی روید و از شدت گرمی ، سنگهایش سوخته و سیاه شده و آب هم ندارد . از يك و غزال ، آن طرف [ تر ] با لوله آب کشیده آورده اند . کنار بحر خزر واقع است که دو طرف آب است دو طرف کوه . جای تعیش نیست ولی ظاهرش را خوب ساخته اند . که در نظرها جلوه می نماید . خیابانها در دامنه کوه کشیده اند . این طرف [ و ] آن طرف منازلها ، هوتیل (۳) ها ساخته اند . قازارمه جای سالدات و توپخانه و ذخیره خانه ها و آلات حربیه اش بظاهر زیاد است اشجار و باغهای قشنگ خوب ، گل کاری - با اینکه کوه است آب ندارد - ساخته [اند] . از استانسیه الی جلو دریا که محل اقامت مسافر است ، يك ربع فرسخ شرعی است . درشکه دیده نشستم رفتیم جلو دریا . شخص ترکی هست «امین الرعايا» لقب دارد . قهوه خانه دارد . خوراک هم دارد و جای اقامت مسافر هم دارد ولی خیلی کثیف . هر که نیاید برود است (۴) که شخص مطمئن به خودش و اثاثیه اش نیست چون وضع را برخلاف میل دیدم . بنده رفته در هوتیل لندن يك نمره گرفته اسباب (ها) کشیده بردیم . بعد از چایی و ناهار سه بقیه در صفحه ۱۲۹

(۱) یعنی تلفات

(۲) خیالش بگیرد و میلش بکشد